

نام این درخت خرمشهر است

خاطره‌ای از حجت الاسلام والمسلمین دکتر شمالی

سال آخر تحصیلاتم، وقتی می‌خواستم از منچستر به جمهوری اسلامی ایران برگردم، برای خداحافظی با یکی از دوستان روحانی پاکستانی به مسجدشان رفتم. این دوست روحانی اظهار داشت: یکی از نمازگزاران شیعه پاکستانی دلش می‌خواهد قبل از رفتن به ایران، شما را به منزلش دعوت کند. یکی از روش‌های تبلیغی من اجابت دعوت دیگران بود؛ البته در حد توان و وسع، مگر این که هیچ امکانی نداشته باشم.

به هر حال با این که از نظر وقت، بسیار در مضیقه بودم، دعوت ایشان را پذیرفتم و روز و ساعت مقرر به منزل وی رفتم. با وجود این که از جوانی برای کارگری به انگلیس آمده بودم (چون خیلی از مسلمان‌ها بعد از جنگ جهانی دوم برای نیروی کار به انگلیس آورده شدند) فرد بسیار متدینی بود و محیط آلوده آن‌جا هیچ نوع تأثیر منفی در او ایجاد نکرده بود. خودش می‌گفت بچه‌های من از من هم متدین‌ترند و در این محیط فساد و گناه و آلودگی، در طهارت و پاکی، الگویی تمام عیارند.

نکته جالب وقتی بود که گفت در حیاط ما درختی است که می‌خواهم به شما نشان بدهم. وقتی درخت را دیدم، او گفت: «اسم این درخت «خرمشهر» است. روزی که جمهوری اسلامی ایران این شهر را از دست دشمنان پس گرفت، من این درخت را در این‌جا کاشتم و اسم آن را خرمشهر گذاشتم و چون شما ایرانی هستید خواهش می‌کنم آن را به شما نشان بدهم و بگویم چشم همه مسلمانان دنیا به ایران است و امید همه ملت‌های مسلمان، کشور شماست.»



عکس: عباس است

صف یاوران آن حضرت دانسته‌اند. در حقیقت، شیعه با این حرکت نمادین آمادگی همیشگی خود را برای پشتیبانی از امام و حجت و حقیقت هستی اعلام می‌کند.

حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه در زمان غیبت کبری در کجا اقامت دارد و ضروریات زندگی خویش را چگونه مهیا می‌کند؟

گفتم که از تو پرسم، جانا نشان کویت

گفتا نشان چه پرسی؟ آن کوی بی‌نشان است

طبق آن چه از روایات و برخی حکایات معتبر می‌فهمیم، حضرت حجت عجل‌الله تعالی فرجه در عصر غیبت کبری در مکان خاص یا شهری معین اقامت دائمی ندارند و به گونه‌ای ناشناس در میان مردم زندگی می‌کنند. در این باره «سید صیفری» از امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کند که فرمودند: «صاحب‌الامر از این جهت با حضرت یوسف علیه‌السلام شباهت دارد که برادران حضرت یوسف با این که عاقل و دانا بودند و پیش‌تر نیز با وی معاشرت داشتند وقتی به محضرش آمدند تا خودش را معرفی نکرد، او را نشناختند... پس چرا مردم انکار می‌کنند که خداوند همین عمل را نسبت به حجت خویش حضرت صاحب‌الامر انجام دهد؟! آن حضرت نیز در بین مردم تردد کند و در بازارشان راه رود و... ولی او را نشناسند تا هنگامی که خداوند به او اجازه معرفی خویش را بدهد»

مدینه منوره، مکه معظمه، نجف اشرف، کوفه، کربلا، کاظمین، سامرا، قم و بغداد از شهرهایی هستند که یقیناً به گام‌های مبارک امام زمان مزین شده‌اند. این مقام‌ها و مکان‌ها هم افتخار حضور حضرت را درک کرده‌اند: مسجد جمکران، مسجد کوفه، مسجد سهله، مقام حضرت صاحب‌الزمان در وادی‌السلام نجف و حله، اما همان طور که گفتیم آن حضرت اقامت دائمی در مکانی خاص ندارند. سخن‌هایی که درباره سکونت حضرت در کوه رضوی یا سرداب سامرا گفته می‌شود درست نیست و داستان اقامت حضرت در جزیره خضرا نیز بیش‌تر به افسانه می‌ماند تا حقیقت. اما درباره بخش دوم سوال می‌توان گفت: وقتی آن حضرت به گونه‌ای ناشناس در میان مردمان رفت‌وآمد کنند. مانعی هم ندارد که ضروریات خویش را به طور معمول فراهم کنند، گرچه به شیوه اعجاز نیز هیچ مانع عقلی و نقلی ندارد. حکایت حضرت مریم سلام‌الله علیها و روزی او از عالم غیب، شاهی قرآنی بر این سخن است.

راه آشنا

محمدامین عرفان

پرسید و پاسخ بگیرید

اشاره

این صفحه، فرصتش را به پرسش‌های شما سپرده است. مجال پیش‌رو را غنیمت بدانید و سوالاتتان را با ما در میان بگذارید. در این شماره به دو پرسش مهدوی پاسخ گفته‌ایم.

*** چرا وقتی نام «قائم» برده می‌شود شیعیان تمام قد روی پا می‌ایستند؟**

در روایات شیعه، بر واجب بودن برخاستن به هنگام ذکر «قائم» دلایل مستند کافی نداریم، اما می‌توان گفت که این امر در باور مردمان، عملی مستحب و نوعی اظهار ادب خاکساری به آستان بلندسامان آن امام است. در سیره برخی ائمه نیز این گونه احترام به ساحت حضرت حجت عجل‌الله تعالی فرجه مرسوم بوده است. چنان‌چه وقتی نام قائم را در محضر مبارک امام رضا علیه‌السلام ذکر کردند، آن حضرت برخاست و دست بر سر نهاد و فرمود: «اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه؛ خداوند در فرجش شتاب کن و راه ظهورش را آسان گردان». هم‌چنین وقتی از امام صادق علیه‌السلام دلیل ایستادن در هنگامه ذکر قائم را پرسیدند، آن حضرت فرمودند: «صاحب‌الامر از فراوانی لطف و محبتی که به دوستانش دارد، هر که او را به لقب قائم - که اشاره است به دولت کریمه‌اش و اظهار تأثیری است از غربت او - یاد کند، آن حضرت نیز با نگاه مهرمندانه به او می‌نگرد و چون در این حال مورد توجه امام است شایسته است از باب احترام به پا خیزد و از پروردگار متعال تعجیل در فرجش را بخواهد». برخی از موعود پژوهشان، این برخاستن را افزون بر احترام، نوعی نماد آمادگی و ایستادن در